

به نام بچه ها، به کام بزرگ ترها!



چند سال پیش خبرگزاری ایسنا گزارشی به نقل از ایندیندنت منتشر کرد که در آن از شماری رمان های کودک و نوجوان یاد شده بود که محبوب بزرگ ترهاست. در آن گزارش، نام سی اثر ذکر شده بود و نویسنده مطلب از فواید خواندن آثار کودک و نوجوان برای بزرگ سالان گفته بود؛ فوایدی مانند افزایش احساس خوش حالی و افزایش خلاقیت. اما نکته ای که آنجا از آن غفلت شده بود، خود طبقه بندی این آثار بود. برخی رمان های فضایی فانتزی شبیه آنچه در ادبیات کودک و نوجوان دیده می شود، برخودار بودند، اساسا مناسب بچه ها نیستند یا دست کم محتوایشان برای آن ها سنگین به نظر می رسد. رمان «ناطور دشت، اثر جروم دیوید سلینجر آمریکایی که داستان نوجوانی سرکش و اخراجش از مدرسه را روایت می کند، نه تنها برای بزرگ سالان نوشته شده، بلکه حتی در خود آمریکا گاهی جزو کتاب های ممنوعه و نامناسب فهرست بندی شده است. یا سه گانه «ارباب حلقه ها»ی جی آر آر تالکین علاوه بر محتوای اسلوره ای و اشاره های سیاسی و اعتقادی اش آن چنان پر حجم و طولانی است که بعید است کودک و نوجوان به راحتی آن را دنبال کنند و اتفاقا این رمان که خود نویسنده از به کار بردن تعبیر «رمان» برایش دل خوشی نداشت، در میان بزرگ سالان محبوب است.

به همین ترتیب، می توان به «مزرعه حیوانات، جرج اورول اشاره کرد، داستانی تمثیلی که اگرچه قهرمانان آن جانوران اند، محتوایی به شدت سیاسی و احتمالا فراتر از دغدغه های بچه ها دارد (کتاب به نقد و استهزای انقلاب اکتبر در روسیه و دیکتاتورهای کمونیست می پردازد). گویا همچنان در نگاه برخی، تمایزی میان «داستان کودک و نوجوان»، و «داستان درباره کودک و نوجوان» وجود ندارد و هر اثری را که با محوریت بچه ها نوشته می شود یا حال وهوای آن در ظاهر به ادبیات کودک شبیه است، مناسب بچه ها تلقی می کنند. بدیهی است که اثر مختص یک گروه سنی ویژگی هایی را می طلبد که برخوردار ی از آن طبقه بندی سنی را توجیه می کند، برای نمونه می توان از ارائه غیرمستقیم پیام داستان در رمان نوجوان گفت که هم در مقابل پیام های ساده تر و شفاف تر ادبیات کودک قرار می گیرد و هم اینکه خودش در مقایسه با ادبیات بزرگ سال، ساده تر است.

معرفی کتاب ناطور دشت

معرفی کتاب «نقل ضحاک ماردوش» دوباره نقالی

«ضحاک فرمان بردار اهریمن است و اهریمنان نباید بر ایران و ایرانیان حکومت کنند که اینجا سرزمین اهورامزداست...» شاهنامه، از غنی ترین آثار ادبی حماسی به جامانده از تاریخ ادبیات ایران، همواره نقشی ستودنی در حفظ و ماندگاری زبان فارسی داشته است. «نقل ضحاک ماردوش»، عنوان نمایشنامه ای است مصور، برگرفته از داستان های شاهنامه که باهدف آشنایی کودکان و نوجوانان با گنجینه های فرهنگ و میراث ادبی سرزمین ایران نوشته شده است.

ورود این متن ها به عرصه تئاتر و نمایش، موجب اثر گذاری و آشنایی بیشتر این گروه از مخاطبان با سرمایه ادبیات می شود. این کتاب برای نوجوانان بیش از پانزده سال بازنویسی و با نگاه به ابعاد نمایشی و باتوجه به جذابیت های نهفته در موضوع و روایت، تنظیم شده است.

نمایشنامه دارای چهار نقال و نقشگرانی در نقش های ضحاک، ابلیس، پیر خردمند، خواب گزار، فرانک، ارمایل، گرمایل، کاوه آهنگر، فریدون و کندور (وزیر بزرگ ضحاک) است. رسم نقالی که از هنرهای قدیمی مردمان ایران زمین محسوب می شود، در این اثر پر رنگ و نمایان شده است، به گونه ای که می تواند مخاطبان بسیاری

را به همین روش به شاهنامه و سایر متون کهن فارسی علاقه مند سازد. این کتاب نوشته عباس جهانگیریان است و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است.

زین قدیرکے

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

گاهی عددومعدودنقش قیدی دارد که باید نیم جدانوشته شود، مانند: دودومرتبه این کار راانجام ندهد. همه کتاب ها را یک جامع کرد.

اما گاهی نقش قیدی ندارد و صرفاعددو معدوداست که باید جدانوشته شود، مانند: دیروز دومرتبه به نوزنگ زدم، جواب ندادی. یک جابرای نوشتن نداشتم.

#زین_قدیرکے

تختی، یک زندگی و چند روایت

چهره روز

کتاب «تختی، یک زندگی» نوشته فرید مردادی به تازگی از سوی انتشارات «دوستان» به چاپ رسیده است. در این کتاب بر اساس منابع و مدارک و اسناد موجود، زندگی تختی از تولد تا مرگ بررسی شده است. در پایان کتاب، منبع شناسی مربوط به تختی و نیز اشعاری که در سوگ وی سروده شده، آورده شده است. تختی محصول یک فرهنگ سنتی بود، در اندیشه او پهلوانی بیشتر جلوه داشت تا قهرمانی. از آغاز هم با انگیزه پهلوان شدن ورزش را شروع کرد، اما در جامعه ای که مردمش آمال و آرزوهایشان را در پیروزی های قهرمانانشان جست و جوی می کنند، او نیز شاید ناخواسته در مسیر قهرمانی قرار گرفت. تختی در سفرهای متعدددش، جهان را کشف کرد و نوگرایی های

گفت وگو با سیدحمید حیدری ثانی درباره ویراستاری و چند و چون آن

از کارگاه های چندساعته، ویراستار بیرون نمی آید

خادم	
	
فت وگو	
	
هنر ویراستار این است که نامرئی باشد. حضور وسایه او نباید بر متن سنگینی کند، اما درعین حال اگر در اثری مشکلی دیده شود، از غلط املایی تا رعایت نشدن دستور زبان و... ویراستار نخستین کسی است که انگشت اتهام به سوی او نشانه می رود. احتمال خطا در کتاب هایی که ویراستاری نمی شوند، به مراتب پیش از کتاب هایی است که از زیر دست ویراستار رد شده است. گاه حتی آثاری از بهترین نویسندگان و مترجمان که سرشناس ترین ناشران نیز آن ها را منتشر کرده اند،	

● برخی ها احساس می کنند که منتشان بدون دست انداز است و مشکلی در آن نمی بینند. چرا هنوز این دسته از نویسندگان و مترجمان و ناشران ضرورت کار ویراستار در اصلاح زبان متن را احساس نکرده اند؟ نویسنده وقتی کتاب یا مقاله یا یادداشتی می نویسد و از زبان به صورت مکتوب استفاده می کند، باید خودش را به جای خواننده بگذارد و ببیند آیا خواننده معنای مدنظر او را درک می کند یا نه. باید از زاویه دید خواننده به متن نگاه کند. نویسنده وقتی می نویسد، ذهنش درگیر محتواست؛ حال چه در فضای علمی چه در فضای داستانی یا هر حوزه دیگر. اما برای نویسنده دشوار است که خودش را از موقعیتی که در آن قرار دارد، بردارد و در موقعیت طرف مقابل بگذارد. خیلی تمرین و مهارت می خواهد که نویسنده بتواند این طور به متتش نگاه کند. ویراستار این خدمت را به نویسنده ارائه می دهد که از موضع خواننده به متن نگاه کند. از همین روست که ویراستار باید کتاب خوان حرفه ای باشد و البته باید مردم شناس باشد، باید فرهنگ را درک کرده باشد و باید در حوزه ای که می خواهد ویرایش کند، تحصیل یا مطالعه کرده باشد تا بتواند فضای متن را درک کند. ویراستار به نمایندگی از خواننده ها متن را می بیند و به نویسنده بازخورد می دهد. اینکه گاهی نویسنده ای احساس می کند متتش شاهکار است و به ویرایش نیازی ندارد، ناشی از این است که آن نویسنده خودش را در جایگاه مخاطب قرار نداده است. این یک بیماری فرهنگی است که متأسفانه گاهی نویسنده ای خودش را مادر زاد نویسنده تصور می کند و می گوید: «من همینم که هستم! خواننده باید سوادش را بیشتر کند تا حرف من را بفهمد.»

● ممکن است برخی نویسندگان یا مترجمان احساس کنند که ویراستاری می خواهد شریک زحمتشان شود! آیا این هم می تواند در ایجاد تصویر منفی از ویرایش در این گروه از نویسندگان تأثیرگذار باشد؟
بله. بعضی نویسنده ها جایگاه خودشان را در معرض تهدید می بینند و احساس می کنند اگر منتشان ویرایش شود، نشان دهنده بی سواد ی آن ها ست یا ممکن است کسی فکر کند این ها توان نوشتن نداشته اند که سراغ ویراستار رفته اند. باور کنید من همچنین تعبیری را شنیده ام. این، ذهنیت درستی نیست. تخصص ها متفاوت است. نویسنده در موضوعی که کار می کند، متخصص است و ویراستار در این تخصص دارد که چطور زبان را طوری اصلاح کند که پیام رسانی در بهترین حالت اتفاق بیفتد. ویراستار آسیب های زبان را در مقایسه با نویسنده بهتر می شناسد و تمرکش بر پیام رسانی است. همه جا وقتی افراد بیشتری روی کتاب کار کنند، مزیتی برای کتاب حساب می شود. در نشرهای اروپا و آمریکا کتاب هایی که ویراستار ندارند، نسبت به کتاب هایی که ویراستار دارند، مزیت رقابتی کمتری دارند و نداشتن ویراستار ضعف کتاب تلقی می شود. اتفاقا کتاب هایی که ویراستاری در گروه تولید کنند گانشان هست، به نظر خواننده متبتر تر می رسند و خواننده بهتر به

دنیای جدید را، اما نتوانست یا نخواست آن ها را پذیرا شود. او نمی توانست از فرهنگ سنتی که او را باور کرده و پرورانده بود، دست بکشد. این دوگانگی چیزی بود که همواره نلگربی توازنی در زندگی اش شد که بارزترین جلوه آن در زندگی زناشویی اش نمود پیدا کرد. تختی مردی بود که در منگنه دو دنیای کهنه و نو گیر کرده بود. خانواده تختی سنتی بودند، سلسله مراتب احترام آمیزی میان خود داشتند و احترام به بزرگ تر از مهم ترین سنن خانوادگی وی بود، اما تختی در ازدواجش این سنت ها را نادیده گرفت و با اختری تحصیل کرده، دانشجو و کارمند دانشگاه پیوند زناشویی بست. دختری که پانزده سال هم کوچک تر از او بود. این دوگانگی که بعدها به جنگ اعصاب مدام بین خواهران تختی و همسرش تبدیل شد، یکی از گروگاه ها و

یک دانشجوی به جان آمده، از یک هنرمندعاصی یا از یک ورزشکار کلافه شده سر یزند. زندان، شکنجه، تبعید، فروگاهی جایگاه اجتماعی، طرد و کنار گذاشتن از اجتماع، دور از دسترس کردن علایق شخصی، از کاری بی کارکردن و قطع روابط با دوستان و کار بخشی از ابزارها برای به تنگ آوردن عنصر نارضی هستند.



خواننده گرفتار فهم معنای آن متن نشود، بلکه همه توجهش به محتوا باشد. نخواهد معما حل کند تا بفهمد نویسنده چه می خواهد بگوید و مستقیم برود سراغ مفاهیم و معانی مدنظر نویسنده. حالا در این فضا نگاه ویراستار به این است که بر مبنای زبان فارسی معیار، به چه صورت می شود این مفاهیم را به سادگی و بدون مشکل بیان کرد. حیدری ثانی زبان فارسی معیار را همان زبان سخنوران فارسی زبان می داند که در موقعیت های رسمی آن را به کار می برند و ویراستار حمایتا بید این زبان معیار را به خوبی بشناسد و اقتضاتش را در نظر داشته باشد. در ادامه گفت و گوی ما با این مدرس ویراستاری را می خوانید.



و زمان را بدهند و مهم تر از آن، گزارشی بدهند و بگویند متن ما این طوری است و این ویژگی ها و نیازها را دارد و من این توانمندی را دارم که این کارها را انجام دهم.

اگر گزارش و قیمت و زمان مطلوب بود، می توان از بین آن افراد دست به انتخاب زد. بهترین حالت انتخاب هم این است که ما در جایگاه سفارش دهنده هزینه کنیم و دوسه صفحه را به عنوان نمونه به چند ویراستاری که مدنظرمان است، بدهییم تا ویرایش کنند و نمونه کارشان روی متن را ببینیم و مقایسه کنیم و هر کدام را که مطلوب بود، با ویرایشی کنیم. تازه در این مرحله است که معیار قیمت معنادار می شود. حال سؤال دیگری که مطرح می شود، این است که من چطور ویراستار را بشناسم و به او اعتماد کنم؟ ویراستاری که برای کار اشتغال می شود، باید ویژگی هایی داشته باشد: در مرکزی معتبر و با سابقه آموزش دیده باشد، تحصیلات مرتبط داشته باشد، پیش استادانی صاحب نام کارآموزی کرده باشد، سابقه کار داشته باشد و نوجوانان به این فعالیت مشغول باشد، یعنی تمام وقت ویراستاری کند و شغل اول و آخرش ویراستاری باشد. با رعایت این معیارها ویراستار با شد. (چه نویسنده و چه ناشر) در سفارش ویرایش اثرش بهترین گزینه ها را خواهد یافت.

آموزشی آن هنوز استانداردهای لازم را ندارد. از این رو، در فضای حرفه ای ویرایش نظارت مقداری کمتر است. از طرفی هم ویرایش شامل تخصص های مختلفی می شود. این باعث شده است خیلی از افرادی که ویراستار نیستند، در این حوزه به اسم ویراستار کار بگیرند و به فضای صنفی آسیب بزنند و بدینی ایجاد کنند. متأسفانه برخی آموزش های دم دستی ویراستاری مانند کارگاه های کوتاه مدت ویرایش باعث شده است به این خطا دامن زده شود. حتی در برخی کارگاه ها تعهد و تضمین می دهند که شما بعد از این کارگاه ویراستار می شوید! این کارگاه برای آموختن برخی نکات ویرایشی خوب است، اما خروجی آن قطعا یک ویراستار نیست. ویراستاری مجموعه مهارت هایی است که باید در حوزه های مختلف به دست بیاید و این، به صرف چندین سال زمان و مطالعه سیر مطالعاتی ویرایش و کارآموزی و... نیاز دارد و صرفا با یک دوره چندساعته نمی توان به آن دست یافت.

● فضای صنفی ویراستاری چه آسیب هایی وجود دارد؟
اگر به وبگاه های کارایی بروید، می بینید که مثلا پروژه گذاشته شده که یا نصد صفحه کتاب است و می خواهند ۵۰۰ هزار تومان بابت ویرایش آن بپردازند! ذیل آن اطلاعاتی هم چند نفر آمده اند و قبول کرده اند که مثلا در یک هفته این حجم را ویرایش کنند. این اطلاعاتی است، چون کتاب یا نصد صفحه ای را که نمی شود با هزینه ای کمتر از هزینه تایپ ویرایش کرد. از آن طرف هم کسی که می گوید یک هفته ای ویرایش می کند، ویراستاری نیست. اصلا مگر می شود این تعداد صفحه را در یک هفته خواند و فهمید؟

حد معمول ویرایش روزی ۲ هزار و ۵۰۰ تا ۳ هزار کلمه است. کسی که می گوید روزی ۱۰ هزار کلمه می خواند، در واقع ویرایش نمی کند، بلکه شاید نمونه خوانی می کند و صرفا غلط املایی ها را می گیرد. یا به اسم ویرایش پروژه را قبول می کند و با نرم افزارهای خطایاب که معروف ترینش نرم افزار ویراستار است، غلطیابی می کند و کار را برمی گردانند. این در حالی است که آن نرم افزار خطایاب خودش در متن خطا هم ایجاد می کند! دغدغه اصلی ویرایش جنبه زبانی متن است، اما این افراد که پول کمی می گیرند و سریع کار را تحویل می دهند، اصلا وارد حوزه زبانی نمی شوند و صرفا در حوزه صوری مقداری متن را اصلاح می کنند، آن هم اگر بتوانند. آسیب دیگری که وجود دارد، در بحث آموزش است. از دوره های چندساعته و کوتاه مدت ویراستار بیرون نمی آید. در این دوره ها صرفا می توان چند نکته پراکنده را آموخت که این به کار ویرایش نمی آید و متأسفانه صرفا

طرح:Gurruz Dogan Etkinoglu